



به سببگی لطیفه

بحثی در ساختار شناسی لطیفه در ایران

شروین وکیل

زبان فارسی نیز مانند هر زبان دیگری ساختارها و قواعد خاص خود را برای ساختن چوک پرورده و جامعه ایرانی نیز الگوهای ویژه خویش را برای خندیدن بدان سامان دهی کرده است. این زمینه نیز مانند بسیاری از حوزه‌های دیگر جامعه‌شناسانه، تا به حال به طور ضایسته مورد واریسی قرار نگرفته و متون بسیار کمی در مورد آن در دست داریم که بیشتر از زمره تک‌نگاری و گردآوری است. زمینه نظری این نوشتار مدلی سیستمی از بویایی فرهنگ است که به اعتبار نام عناصر فرهنگی تعریف شده در آن، نظریه منش‌ها خوانده می‌شود. در این مدل، فرهنگ به عنوان شبکه‌ای خودزاینده و خودارجاع از عناصر همانندساز اطلاعاتی (منش‌ها) مورد تحلیل واقع می‌شود. آنچه در اینجا اهمیت دارد استخوان‌بندی مفهومی مشترکی است که در میان مدل‌های نظری مربوط به چوک و نظریه منش‌ها مورد توافق است.

در نظریه منش‌ها، هر عنصر فرهنگی (منش) به عنوان سیستمی اطلاعاتی در نظر گرفته می‌شود که به صورت یک همانندساز یکپارچه

و واحد در جریان کنش ارتباطی و در قالب نظامی نشانی‌های معنایی تکثیر می‌شود. بر مبنای مدلی که از این عناصر اطلاعاتی در دست داریم، می‌توان منش‌های گوناگون متعلق به یک حوزه فرهنگی خاص را به کمک شاخص‌هایی رسیدگی‌پذیر و تجربی ردیابی کرد و با تحلیل و برآیندهای نشانی‌ها و معنایی موجود در هر یک برداشتی دقیق و ساختار شناسانه در مورد آن پیدا کرد. بر مبنای این تحلیل هدف‌سنجایی به پیش‌بینی‌هایی در مورد الگوی بویایی منش در سیر فرهنگی ممکن می‌شود و می‌توان قواعد رفتار منش در زمینه اجتماعی‌اش را بر اساس قوانین حاکم بر سیستم‌های پیچیده خودزاینده استخراج کرد.

منش و برآیند رفتار منش‌ها یعنی فرهنگ منظمی پیچیده است که رفتارهای بسیار متنوع را از خود نشان می‌دهد. برای دستیابی به قواعدی تحلیلی در زمینه فرهنگ و محک زدن ارزش نظریه منش‌ها به عنوان دیدگاهی نو، به منش‌هایی کوچک و ساده با ساختارهایی تحلیلی‌پذیر نیاز داریم که در عین حال به شکلی گسترده رواج داشته باشند و بویایی‌شان را بتوان در لایه‌های چهارگانه فرآیند یعنی سطوح فرهنگی، اجتماعی و حرفه‌های فردی ردیابی کرد. ما ش‌هایی که

برای وارسی تجربی نظریه منش‌ها مورد نیازند باید کوچکترین واحد‌های تکثیرپذیر در سبب فرهنگی باشند و مستقل از منش‌های دیگر تکثیر شوند. کوچکترین منش‌هایی که می‌توانیم به‌راحت از ش‌ها جدا کنیم و چوک‌ها و نشانه‌های زنجیره‌ای (Chain letters)، چوک‌ها به دلیل گره خوردن ش‌ها با کنش متقابل نیادین، فرآیند بزرگ‌شکل در پیش عمده فضاهای تبادل فرهنگی و پیوند مستقیم‌شان با صورت لغت‌ها و منش‌ها بهترین نامزد برای وارسی تجربی نظریه منش‌هاست.

اهمیت قهرمان

چنین می‌ماید که انتشار به قومیتی خاص و چوک ساختن برای مردم لاهل شهری و روستایی و آکنش ناخودآگاهانه مردم چلمه‌های پانند که با خرد فرهنگ متمایز مهاجرانی از آن قومیت روبرو شده است. حضور اقلیتی از یک قومیت خاص در شهری میزبان، به معنای به نمایش گذارده شدن منش‌هایی بیگانه و ناشناخته که به سرعت به پیدایش مرزبندی میان ما و دیگران می‌انجامد. یکی از ملایم‌ترین نمونه‌های بروز این واکنش‌ها یعنی فرهنگ سیران، تولید چوک‌هایی است که این منش‌های بیگانه را مورد تمسخر قرار دهد و به شکلی دوستانه ناهمخوانی با آن را بی‌اثر سازد.

ابستمی به زمینه

برخی چوک‌ها به حولت خاص اجتماعی، اتفاقات مشهور یا وقایع رودگذر و محلی وابسته بودند. به عنوان مثال، بعد از بسیاری از رخدادهای سیاسی مهم، مردم عادی از چوک‌ها برای دولت‌مداری درگیر ساخته می‌شود که تنها با حذف متن آن رخداد و در زمینه اطلاعاتی آن معنا می‌یابد. نمونه دیگری از اتفاقاتی که منجر به ساختن چوک‌های زیادی شده، واقعه بیستم شهریور ۱۳۱۱ (۲۱ شهریور) سال گذشته بود. در بسیاری از مواقع، یک فیلم یا سریال محبوب هم می‌تواند به عنوان محملی برای تولید چوک عمل کند. به عنوان مثال پس از پخش سریال امام علی و سایش فیلم، ما با تکثیر چوک‌های زیادی در مورد رخدادهای مربوط به این نمایش‌ها ساخته شد. در این موارد، چوک‌ها منش‌هایی است که بر زمینه معنایی منش‌هایی بزرگ‌تر و موفق‌تر سوار می‌شود و به همراه آنها خود را تکثیر می‌کند.

اشاره پیرایاتی

فهم برخی چوک‌ها به ش‌ها یا به پیرایاتی وابسته است. معمول‌ترین نشانه‌های به کار گرفته شده در چوک‌ها ش‌ها، کلک و تمیز حالت چهره است. اما مواردی که به ش‌ها و راه رفتن، حرکات بدن و اشارات دست مربوط باشند هم وجود دارند. چوک‌ها را بر مبنای حضور یا عدم حضور این عناصر، به پیرایاتی می‌توان به آرده تقسیم کرد.

وابستمی به اشاره پیرایاتی

در میان چوک‌های دارای نشانه پیرایاتی، آگروه عمده‌ای می‌توان تشخیص داده نخست آنهایی که نشانه به عنوان مکمل بیان مطلب به کار گرفته می‌شود و معنای حمل شده توسط نشانه برای برز و رفتار خنده‌گانی نیست (هر چند شاید کافی باشد). موارد دیگری هم وجود دارند که نشانه در آنها نقشی لازم و کافی را بر عهده دارد و برای آزاد شدن رفتار خنده‌اجرای درشتان ضرورت دارد. این چوک‌ها انهایی هستند که نشانه پیرایاتی بخشی از کلیه‌شان است. در برخی موارد کل کلید به چنین اشاراتی منحصر می‌شود.

اهمیت چوک‌ها از دید نظریه منش‌ها

چوک از زاویه دید نظریه منش‌ها، شکلی بسیار ویژه از عناصر فرهنگی تکثیرشونده است. آنچه چوک را به عنصر فرهنگی (منش) خاصی تبدیل می‌کند این ویژگی‌های آن است.

الف- چوک، متنی خودبسنده و مستقل از زمینه معنایی پیرامون خویش است. بنابراین استقلال از محیط در آن بعد معنا دارد. نخست چوک‌ها به لحاظ پاداشی که به مخاطب انسانی‌شان منتقل می‌کنند خودبسنده‌اند یعنی برخلاف خبرهای مهم، نظر به معنای علمی و منش‌های مربوط به عملکردها و فنون، چوک به چیزی خارج از خود اشاره نمی‌کند.

از سوی دیگر، پاداش‌دهنده بودن چوک به امکاناتی که برای تغییر جهان و تسلط بر من، دیگری، جهان ایجاد می‌کند بستگی ندارد. هیچ‌کس چوک را برای آنکه بعدها استفاده‌ای عملی از آن بکند پاداش نمی‌گیرد و به سودای آنکه روزی به درد مخاطب بخورد، آن را منتقل نمی‌کند. مایه سادگی برای این چوک می‌شودیم که بخندیم و برای آن چوک می‌گوییم که دیگران را بخندانیم.

دوم، چوک از نظر ساخت معنایی هم خودصنعتار است. البته هر چوک در زمانی ویژه و در زمینه‌ای از اطلاعات پایه و نشانه‌های اولیه معنایی‌شان است. اما آنچه یک منش را به چوک تبدیل می‌کند، چرخش بسته‌از ارتباطات معنایی است که به درون خود چوک منحصر می‌شود. معنای پایه و هدف مانند بین و یکنی سبب خوشه در هم تنیده می‌شوند و از دیالکتیک این دو، خنده زاده می‌شود. دست‌های زمینه‌ای شرکت‌کنندگان در چوک‌ها، به سبب سبب و سبب می‌کند که این رخداد معنایی ممکن شود. اما صورت و ساخت آن را همین نمی‌کند.

به این ترتیب، چوک منش‌هایی است که نظامی خودارجاع از ارتباطات معنایی را در دل خود نهفته و در کار و بود همین شبکه‌از جاعات است که گذار از معنای پایه به هدف ممکن می‌شود.

ب- چوک‌ها متنی کوتاه است. چنان‌که گفتیم، اندازه متوسط آن حدود هشتاد بیت است که یک دم این مقدار به کلید تعاقب دارد. منش‌های دیگری که به‌تازگی در چوک‌ها مستقل و فارغ از زمینه‌های اطلاعاتی پیرامونی تکثیر شده و با موفقیت چوک مرزهای سنتی طبقاتی و جمعیتی را در نورند، سبب آن‌هاست. تنها منش‌های مشابه دیگری را که می‌شناسیم شایه‌ها و در سطوحی پایین‌تر، نشانه‌های زنجیره‌ای هستند.

۲- ویژگی خودبسنده‌گی و کوچکی، شاخص‌هایی هستند که چوک‌ها را به موضوعی بسیار مناسب برای تحلیل‌های فرهنگی تبدیل می‌کنند. نظریه منش‌ها مدلی سیستمی از بویایی فرهنگ است که عناصر فرهنگی (منش‌ها) در آن نقش کلیدی را ایفا می‌کنند. برای وارسی تجربی گزاره‌های مدل به ساختاری پایه و کم‌تره از عناصر اطلاعاتی نیاز داریم تا به کمک آن مفهوم منش را تشریح کرده و باقی تحلیل‌های خود را بر مبنای آن طرح‌ریزی کنیم.

به این ترتیب، نیاز به رده‌های از عناصر فرهنگی داریم که بتوان با تحلیل کردن‌شان به این ساختار کم‌تره دست یافت. ویژگی به ظاهر متناقض چوک‌ها آن را به نامزدی شایسته برای این کار تبدیل می‌کند. چوک از سویی آن قدر پیچیده است که بتواند به عنوان واحد همانندسازی مستقل عمل کند و از سوی دیگر چنان ساده است که به سادگی می‌تواند مورد واریسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

با این تفصیلات، تصویری روشن‌تر از چوک‌ها به دست می‌آید. چوک منش‌هایی است کوچک، عاطفی، روانکار و نوشتنی که در پیوند با سیستم رمزگشایی معنایی بدون آنکه شانس بقا را افزایش دهد، ساختار نسبتاً مستقیم تولید می‌کند و به این ترتیب با رهبری کسی در سطح توسعه‌عام‌به‌صورت لغتی تکثیر می‌شود.